



گفتگو با مدیر گروه تاریخ دانشگاه فرهنگیان

## ناگزیریم به دانستن تاریخ خلاقیت معلم به تعمیق و فهم تاریخ کمک می‌کند

آزاده سهرابی

**به عنوان اولین سؤال اگر ممکن است کمی درباره گروه تاریخ دانشگاه فرهنگیان، تعداد دانشجویان و مفاد درسی آن توضیح دهید.** درباره دانشگاه فرهنگیان باید بگویم که در حال حاضر در تهران در این دانشگاه دو کلاس تاریخ داریم و حدود ۶۰ دانشجو معلم رشته تاریخ. در استان البرز نیز دو کلاس در رشته تاریخ برگزار می‌شود و در شهرهای ساری و بیرجند نیز دانشجوی تاریخ پذیرفته می‌شود اما بیشترین دانشجوی رشته تاریخ در دانشگاه فرهنگیان خرم‌آباد است که تا ۹ کلاس تاریخ برای دانشجومعلمان برپا می‌شود. ما متولیان تربیت معلمان تاریخ هستیم و برنامه‌های درسی و سرفصل‌های دوره کارشناسی چند سالی است که تدریس شده و در کنارش آموزش تاریخ نیز به دانشجومعلمان یاد داده می‌شود.

محمدرضا روزبهانی عضو هیئت علمی و استادیار گروه تاریخ دانشگاه فرهنگیان واحد شهدای مکه است. وی مدیر گروه علوم انسانی و اجتماعی همین دانشگاه است و در عین حال سابقه تدریس درس تاریخ در دوره‌های مختلف به مدت ۲۳ سال را در کارنامه خود دارد. استاد روزبهانی لیسانس تاریخ خود را سال ۱۳۶۷ از دانشگاه اصفهان و فوق لیسانس تاریخ ایران در دوره اسلامی را از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی در سال ۱۳۷۷ دریافت کرده است. همچنین در سال ۱۳۹۱ دکترای تاریخ ایران در دوره اسلامی را از دانشگاه تهران اخذ کرده است. وی دو کتاب با نام‌های «زندگینامه و اندیشه سیاسی ابو علی مسکویه» و «تحول مبانی مشروعیت سلطنت در ایران از یورش مغول تا برآمدن صفویان» را نگاشته است. او معاونت آموزشی دبیرستان نمونه دولتی شبانه روزی باقرالعلوم (ع) شهرستان بروجرد، مدیریت گروه تاریخ در شهرستان‌های پلدختر و بروجرد به مدت چهار سال و تدریس و فعالیت در مراکز تربیت معلم لرستان و تهران از سال ۱۳۸۱ تا کنون را در کارنامه خود دارد. وی همچنین ده‌ها مقاله از جمله تاریخ در سیما، «برخورد نسل‌ها در نمایشواره رستم و سهراب در غزنه نوشته دکتر زربین کوب»، «هنرمندی معلم و معلمی هنرمند»، «مشروعیت ایخانان در آراء متکلمین و فقهای شیعه، با تکیه بر اقوال خواجه نصیرالدین طوسی» و نوشتن حدود ۳۰ مقاله طنز در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ با مضامین عموماً تاریخی را در کارنامه دارد. با او درباره آموزش تاریخ در دانشگاه فرهنگیان به گفتگو نشستیم.

موضوع اصلی این نیست که قرار باشد غرب و دیگران را نشناسیم و فقط به شناخت خودمان بسنده کنیم، بلکه موضوع این است که دانش آموز و دانشجوی ما آنقدر که خارج از کشور، تاریخ و شخصیت هایش را می‌شناسد، از داخل کشوری خبر است.

**تاریخ دامنه وسیعی دارد؛ از شناخت رویدادهای ملی، مذهبی و رویدادهای کشورهای دیگر گرفته تا شناخت مفاخر ملی، مذهبی و... وقتی ما می‌گوییم دانش عمومی تاریخ باید به فرزندانمان یاد داده شود، محدوده دانش عمومی تاریخ چیست؟ چون نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که همه افراد زیر تا بم تاریخ را بشناسند. درواقع سؤال این است که وقتی ما از دوره ابتدایی شروع به آموزش تاریخ به دانش‌آموزان می‌کنیم، تا پایان دوره دبیرستان لزوماً باید چه مفاهیمی را به آنها منتقل کرده باشیم؟**

این محدوده به نوعی در کتاب‌های درسی مشخص شده است. ما در دوره ابتدایی دانش‌آموزان را با کلیتی از تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام آشنا می‌کنیم. در دوره متوسطه اول همان مفاهیم وسیع‌تر می‌شود و در متوسطه دوم عمق بیشتری پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که دانش‌آموز پایه دوازدهم یک تصویر کلی از فرهنگ، تمدن و سیاست‌های ایران دارد و می‌تواند اوضاع ایران و جهان را به لحاظ تاریخی تطبیق دهد. اگر همین مقدار که در دوره متوسطه که نهایت کار است را دانش‌آموز به خوبی بفهمد، ما گام بزرگی برداشته‌ایم اما موضوع این است که همین چیزی که در کتاب‌های درسی وجود دارد، به درستی فهم نمی‌شود.

### دلیل این مساله چیست؟

نحوه تدریس معلمان ما ایراد دارد، شیوه‌های تدریس غلط است و عموماً درس تاریخ به صورت سخنرانی ارائه می‌شود. از سوی دیگر، امکانات مدارس هم کم است. ما برای کمک به تعمیق فهم تاریخ، نیاز به این داریم که خلاقیت داشته باشیم؛ برای بچه‌ها قصه بخوانیم، فیلم نمایش دهیم یا آنها را به دیدن موزه‌ها یا آثار تاریخی ببریم. به طور مثال زمانی که قرار است دانش‌آموز در مورد صفویه بخواند، اگر بتواند اصفهان را ببیند و آثار تاریخی آن را بشناسد یا از طریق فیلم در آن موقعیت قرار بگیرد، قطعاً ماندگاری آموزش بیشتر است. مساله دیگر این است که معلمان تاریخ ما خودشان را به‌روز نکرده‌اند. یکی از اهداف تأسیس دانشگاه فرهنگیان این است که معلمان همزمان با آموزش تاریخ، نحوه آموزش تاریخ را نیز یاد بگیرند و این که چطور با روش‌های جدید، این حوزه را تدریس کنند. استفاده از فیلم، ادبیات نمایشی، نشان

از این رو فارغ‌التحصیلان رشته تاریخ در دانشگاه فرهنگیان با معلمان دیگری که لیسانس تاریخشان را حتی از یک دانشگاه معتبر گرفته باشند، فرق دارند چرا که معلمان تاریخ اینجا یاد می‌گیرند معلم شوند. ما امید داریم که با ورود این دانشجوی معلمان طی سال‌های آتی به مدارس کشور، تحولی در آموزش تاریخ ایجاد شود چرا که یکی از رسالت‌هایی که بر عهده این دانشجوی معلمان است، این است که جدا از دانش تاریخی که به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند، عرق ملی و دفاع از هویت ایرانی، اسلامی را نیز به دانش‌آموزان یاد دهند.

اخیراً آقای نصرالله صالحی که استاد تاریخ است با تیمی که بنده هم عضوش بودم، طرح درس کارشناسی ارشد آموزش تاریخ را نوشتیم. فکر می‌کنم بتوانیم برای سال آینده در این رشته دانشجوی پذیرش کنیم.

**یکی از انتقادهای جدی به مدارس ما این است که دانش‌آموزان وقتی فارغ‌التحصیل می‌شوند، اطلاعات تاریخی زیادی چه در زمینه رویدادهای تاریخی و چه شناخت مفاخر فرهنگی و تاریخی ندارند. شما این مساله را تأیید می‌کنید یا به نظر تان این یک فرآیند طبیعی است که ممکن است در خیلی از کشورها اتفاق بیفتد؟**

این فرآیند طبیعی نیست و قاعداً باید به عنوان یک معضل به آن نگاه کرد. این یک نیاز است که دانش‌آموز و دانشجوی ما تاریخ را بشناسد و تأسف بار است که دانش‌آموزان ما آنقدر که درگیر سوپرمن و مرد عنکبوتی هستند، از اساطیر و شخصیت‌های تاریخی ما چیز زیادی نمی‌دانند. البته بخشی از آن به کم‌کاری‌های ما برمی‌گردد چرا که بسیاری از مفاهیم تاریخی از طریق معلم منتقل می‌شود. باید گفت که عموم مردم ما اطلاعات تاریخی کمی دارند و بخش زیادی از آن به این بازمی‌گردد که رسانه‌های جمعی ما و من معلم تاریخ و آن استاد دانشگاه نتوانسته‌ایم افراد را اقناع کنیم که فهم تاریخ چه میزان مهم است. یکی از اهدافی که ما در دانشگاه فرهنگیان و در رشته تاریخ دنبال می‌کنیم، این است که دانشجوی ما یاد بگیرد که داشتن عرق ملی جدی است و باید به وطن و تاریخش علاقه‌مند باشد. باید شخصیت‌های تاریخی و رگ و ریشه خود را بشناسد و از آنها الگو در بیاورد. ما آدم‌های بزرگ در تاریخ ملی و مذهبی مان کم نداریم اما چقدر دانش‌آموزان ما این شخصیت‌ها را می‌شناسند؟ بنابراین نتیجه می‌گیریم که نقضی در این میان وجود دارد و لاقلاً من معلم تاریخ وظیفه‌ام این است که زمینه رفع این نقصان را فراهم کنم و از آن سو باید یک احساس نیاز کلان برای نظام وجود داشته باشد که تاریخ به مردم آموزش داده شود. اگر از این زاویه به مساله نگاه کنیم،

**تأسف بار است که دانش‌آموزان ما آنقدر که درگیر سوپرمن و مرد عنکبوتی هستند، از اساطیر و شخصیت‌های تاریخی ما چیز زیادی نمی‌دانند. البته بخشی از آن به کم‌کاری‌های ما برمی‌گردد چرا که بسیاری از مفاهیم تاریخی از طریق معلم منتقل می‌شود. باید گفت که عموم مردم ما اطلاعات تاریخی کمی دارند و بخش زیادی از آن به این بازمی‌گردد که رسانه‌های جمعی ما و من معلم تاریخ و آن استاد دانشگاه نتوانسته‌ایم افراد را اقناع کنیم که فهم تاریخ چه میزان مهم است**

دادن اسناد و مدارک، موزه‌ها و ... روش‌هایی است که ما بر آن تأکید داریم.

### بنابراین نظر شما بر این است که معلم تاریخی که از دانشگاه فرهنگیان سرکلاس‌ها می‌رود، موجه‌تر از کسی است که حتی با فوق‌لیسانس تاریخ استخدام می‌شود؟

قاعده این مساله این است که این‌گونه باشد چون ما اینجا به دانشجویان معلمان، معلمی را هم یاد می‌دهیم. دانشجویان ما حدود ۶۰ واحد دروس مربوط به تاریخ را می‌خوانند که تاریخ ایران، جهان و اسلام از ابتدا تا زمان حاضر را شامل می‌شود. درس‌های تربیت اسلامی و معارف را نیز فرا می‌گیرند اما آن چیزی که تفاوت ما با دیگر دانشگاه‌ها است، ۳۰ واحد دروس تخصصی تربیتی است که با عنوان دروس «پداگوژی» دانشجویان می‌گذرانند. این دروس شامل درس‌هایی چون برنامه‌ریزی درسی، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی در مقاطع مختلف، طراحی آموزشی، روش تدریس و ... است. دانشجویان معلمان یاد می‌گیرند کتاب‌های درسی را به لحاظ ظاهری، محتوایی و ساختاری نقد کنند. همچنین آنها یاد می‌گیرند که برای یک سال تحصیلی از لحاظ ورودشان سرکلاس تا انتها چه طرحی داشته باشند و روش تدریس در مکاتب مختلف را بیاموزند. این برای رشته تاریخ متوسطه است. در دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول، ما در رشته مطالعات اجتماعی که برنامه‌اش تصویب شده و از سال آینده دانشجو می‌گیرد، هم علوم اجتماعی، هم تاریخ و هم جغرافیا را برای دانشجویان معلمان طراحی کرده‌ایم.

به نظر می‌رسد اگر ما می‌خواهیم دانش‌آموزانی تربیت کنیم که با تاریخ عجین باشند، ضروری است معلمانی تربیت کنیم که با تاریخ بیگانه نباشند. در چنین شرایطی حتی نیاز است معلم ریاضی ما نیز حداقل در حد انتظاری که از دانش‌آموز دانش تاریخ را می‌خواهیم، بلد باشد. در صورتی که عموماً این‌گونه است که دانش‌آموز ما اگر از معلم دروس دیگر خود سؤال تاریخی بپرسد، جوابی نمی‌گیرد و طبیعی است که آن دانش‌آموز با خودش فکر کند برای معلم ریاضی، فیزیک و شیمی شدن، نیازی به دانستن دانش تاریخ نیست. سؤال این است که در دانشگاه فرهنگیان چقدر به معلمان در شاخه‌های دیگر، تاریخ یاد داده می‌شود؟

به نکته درستی اشاره کردید. من تأسف می‌خورم که وقتی برنامه‌ریزی دروس تدوین می‌شد، من در دانشگاه نبودم که اگر با من بود، برای تمام دانشجویان معلمان درس تخصصی تاریخ می‌گذاشتم. در شاخه ابتدایی و حتی

رشته‌های تخصصی دیگر، بعید می‌دانم درسی به نام تاریخ وجود داشته باشد؛ مگر در رشته‌های علوم اجتماعی و جغرافیا. به نظر می‌رسد این نقصی است که وجود دارد و در تمام دانشگاه‌ها می‌توان رد آن را گرفت. یکی از اساتید ما در دانشگاه می‌گفت «در دانشگاه‌های معتبر آمریکا دانشجویان تمام رشته‌ها از پزشکی تا مهندسی حداقل ۲۰ واحد تاریخ می‌خوانند». حال شما تصور کنید در این وضعیت که کشور ما می‌خواهد در مقابل ظلم دنیا ایستادگی کند، چقدر ناگزیر هستیم ریشه‌هایمان را از طریق شناخت تاریخ فرا بگیریم. پایه مطالعات اجتماعی ما تاریخ است. به طور مثال یکی از راه‌های آسان برای اینکه شناخت تاریخ در میان همه نهادینه شود، خواندن رمان‌های تاریخی است. برخی از همکارانم با این امر موافق نیستند چون می‌گویند رمان‌ها تحریف می‌شوند اما نکته این است که ما باید به گونه‌ای آموزش دهیم که تحریف شده رمان‌های تاریخی را ننویسد. به طور کلی من موافق آموزش تاریخ از راه هنر و ادبیات هستم. شاهدیم که امروزه آمریکا فلسفه‌اش را هم از طریق فیلم‌ها منتقل می‌کند، اسطوره برای خودش می‌سازد، فیلم «ارباب حلقه‌ها» همین کارکرد را دارد. بنابراین ما باید به رسانه‌های جدید بهای زیادی بدهیم.

برای تعمیق آموزش تاریخ کاری که در گذشته نیز می‌شده همین بوده که مردم از طریق تماشای تفریحی، پرده‌خوانی، نقادی یا نشستن پای روضه، تاریخ را فرا می‌گرفتند. من نمی‌گویم آنها لزوماً تاریخ را درست می‌گفتند اما سؤال این است که چرا ما از این ظرفیت‌ها درست استفاده نکنیم؟ وقتی چهاررمان با تحریف تاریخی جلوی روی ما وجود دارد، منکر اصل فهم تاریخ از طریق رمان‌های تاریخی نشویم. ما می‌توانیم از این ابزارها استفاده کرده تا افراد را به تاریخ علاقه‌مند کنیم. من به سهم خودم تلاش کردم از طریق مقالاتی که ارائه کرده‌ام، درباره این مسائل بنویسم، البته من در سرکلاس هم فیلم نمایش می‌دهم و هم‌گاهی نمایشنامه‌خوانی می‌کنم و بچه‌ها را به خواندن رمان‌های تاریخی تشویق می‌کنم.

به نظر می‌رسد ما در زمینه نگارش رمان تاریخی و ساخت فیلم‌های سینمایی تاریخی هم دچار ضعف‌هایی هستیم؟

بله همین‌طور است و شاید باز هم علتش این باشد که ما خیلی افراد را علاقه‌مند به تاریخ تربیت نکرده و آن شور و شوق را در آنها ایجاد نکرده‌ایم که اگر روزی ادیب یا هنرمند شدند، به این سمت حرکت کنند.

نظرتان درباره روند بیان تاریخ در کتاب‌های درسی از دوره ابتدایی تا پایان متوسطه چیست چون برخی



فارغ‌التحصیلان رشته تاریخ در دانشگاه فرهنگیان با معلمان دیگری که لیسانس تاریخشان را حتی از یک دانشگاه معتبر گرفته باشند، فرق دارند، چرا که معلمان تاریخ اینجا یاد می‌گیرند معلم شوند

باشد نه اینکه منتظر باشد وقتی همه چیز مهیا بود، به اهدافش برسد چون واقعیت این است که همه چیز مهیا نیست. وقتی مقام معظم رهبری درباره اقتصاد مقاومتی حرف می‌زند من سخن ایشان را اینجا هم ساری و جاری می‌بینم. اینکه ما در تنگنا هستیم، مشکل داریم، حقوق معلمان کم است، مدرسه امکانات ندارد و... باید غر زدن هایمان را کم کنیم و با دلسوزی و خلاقیت، کارها را پیش ببریم.

### با توجه به سابقه تدریس ۲۳ ساله تان در مدارس چه ویژگی‌هایی در نسل جدید می‌بینید که به نظر تان باعث می‌شود علاقه‌ای به تعمیق در دروسی مثل تاریخ نداشته باشند؟

یک مقدار از این قضیه به سیستم آموزشی ما باز می‌گردد. ما باید بدانیم که آموزش و پرورش رسمی قسمتی از مسئولیت آموزش را به عهده دارد. بخش‌های غیر رسمی مانند سازمان‌ها، مراکز، فضای مجازی و خانواده بار زیادی

### انتقاد دارند که ما در آموزش تاریخ، اولویت‌هایمان را چندان نمی‌شناسیم و کتاب‌های درسی با تغییرات زیادی روبه‌رو شده است؟

بینید اختلاف نظرها در حوزه اولویت‌های تاریخی و آموزش آن سابقه ۴۰ ساله دارد اما کتاب‌های جدید که ما آنها را از نظر محتوایی سرکلاس‌ها تحلیل می‌کنیم، به نظر متعادل هستند. از نظر کتاب، ما مشکل حادی نداریم ولی اینکه این کتاب‌ها و محتوای آن چگونه و با چه امکاناتی تدریس می‌شود، جزو مباحثی است که متولی آن ما هستیم. به این معنا که باید ببینیم چگونه معلمی تربیت می‌کنیم یا چگونه معلمی را برای تدریس این درس گزینش می‌کنیم.

### یکی از موضوعات این است که ما در مدرسه چقدر فارغ از درس تاریخ، دانش‌آموزان را در معرض تاریخ قرار می‌دهیم. به طور مثال وقتی دانش‌آموز درس ریاضی می‌خواند، آیا معلم نمی‌تواند چهار نفر از



ما چه بخواهیم و چه نخواهیم حاصل تاریخ هستیم. نوع نگاه و جهان بینی ما از تاریخ گذشته می‌آید. اگر ریشه‌های خود را ندانیم، در مقابل هر بادی به لرزه در می‌آییم. اگر من افتخارات خود را نشناسم و بدی‌های خود را ندانم، چگونه می‌خواهم آینده را بسازم. ساختن تمدن ایران اسلامی بدون دانستن و فهم گذشته، میسر نیست. پس دانستن تاریخ، لازم، لازم و لازم است

### مفاهم این حوزه را به دانش‌آموز معرفی کند؟

اینها همه بستگی به خلاقیت معلمان ما دارد. کار ما در دانشگاه فرهنگیان این است که دانش‌جو معلم را به سمت خلاقیت پیش ببریم. من مدام به دانشجویان می‌گویم که «شما که فردا می‌روید درس بدهید، مشخص نیست در کدام مدرسه قرار می‌گیرید، ممکن است در محروم‌ترین مدرسه کشور مجبور به تدریس درس تاریخ شوید و با کمترین امکانات اگر آنجا توانستید به اهدافتان برسید، موفق هستید». این مهم است که معلم عاشق

از آموزش را به عهده دارند. دانش‌آموزان در دست در اختیار ما نیستند و ما در حد خودمان می‌توانیم تلاش کنیم. پس همه چیز را نباید از مدرسه و معلم بخواهیم. مثلاً صدا و سیما می‌تواند با ساخت سریال‌های تاریخی، موثر باشد. ما نیاز داریم درباره شخصیت‌های دینی و تاریخی و همین‌طور اسطوره‌های مذهبی‌مان فیلم بسازیم. من یک مثالی از دوره تدریس می‌زنم. زمانی که سریال مختار از تلویزیون پخش می‌شد من شاهد بودم که دانش‌آموزان با سؤال‌های فراوان سر کلاس می‌آمدند. وقتی چنین فضایی سرکلاس

من با خواندن تاریخ یادگرفتم مسائل و پیرامون خود را تخت (یک بعدی) نبینم و هرچیزی که می بینم به عمق آن فرو روم. پدیده‌ها و آدم‌ها برای من یک بعد ندارند. حتی وقتی این میز و صندلی را می بینم از ذهنم می‌گذرد که طراحی آن از کجا آمده است یا اساساً از چه زمان و براساس چه نیازی میز و صندلی درست شد.

### اینکه این مدل تفکر را داشته باشید یا نداشته باشید، چه فرقی برای شما ایجاد می‌کند؟

فرق این است که من ریشه مسائل را می بینم و دقیق تر به مسائل نگاه می‌کنم. فرقی که به این می‌ماند که شما یک عکسی ببینید و تنها از روی ظاهر آن قضاوت کنید یا وقتی آن عکس را می بینید بدانید پدر و مادر آن فرد کیست و چه خصوصیات اخلاقی‌ای دارد؟ چقدر تصورتان درباره آن فرد فرق می‌کند؟ چقدر اطلاعاتتان عمیق تر می‌شود و تصورتان از آن فرد واقعی تر می‌شود؟ الان بسیاری می‌گویند، فلسطین اما نمی‌دانند این فلسطین دقیقاً کجاست. اینکه ما آرمانمان فلسطین است، از کجا آمده است؟ سرنوشتش چگونه شکل گرفته؟ این را باید از داستان پیامبران شروع کنیم و پله پله جلو بیاییم تا بفهمیم چرا اسرائیل حقی در فلسطین ندارد. وقتی من تاریخ را می‌دانم به این راحتی‌ها قانع نمی‌شوم و هزار و یک دلیل تاریخی می‌آورم که بگویم اسرائیلی‌ها حقی در فلسطین ندارند. تاریخ نقد گذشته و حال است. این آن چیزی است که ما باید از تاریخ یاد بگیریم.



**نحوه تدریس  
معلمان ما ایراد  
دارد، شیوه‌های  
تدریس غلط است  
و عموماً درس  
تاریخ به صورت  
سخنرانی ارائه  
می‌شود. از سوی  
دیگر، امکانات  
مدارس هم کم  
است. ما برای  
کمک به تعمیق  
فهم تاریخ، نیاز  
به این داریم که  
خلاقیت داشته  
باشیم؛ برای بچه‌ها  
قصه بخوانیم، فیلم  
نمایش دهیم یا آنها  
را به دیدن موزه‌ها  
یا آثار تاریخی ببریم**

شکل بگیرد و دانش آموز از قبل پیش‌آگاهی تاریخی داشته باشد یا حداقل در ذهنش از تاریخ سوال داشته باشد، من معلم هم به وجد می‌آیم. رابطه میان مدرسه و جامعه، یک رابطه دوسویه است که متأسفانه در کشور ما روی این مساله کار زیادی نشده است.

### اگر دانش‌آموزی از شما بپرسد آموختن تاریخ به چه درد امروز من می‌خورد، شما چه پاسخی برای او دارید؟

ساده ترین جواب من این است که شناخت پدر و مادر آدم به چه دردی می‌خورد. حداقلش این است که من ژن‌های خودم را می‌شناسم. ما یک استادی به نام دکتر دهقان داشتیم که همیشه سرکلاس می‌گفت: «اگر من را با یک پارچه پاک کنند لایه لایه دوره پهلوی، قاجار و... در من مشهود است». ما چه بخواهیم و چه نخواهیم حاصل تاریخ هستیم. نوع نگاه و جهان بینی ما از تاریخ گذشته می‌آید. اگر ریشه‌های خود را ندانیم،



### آیا شما همه اینها را به دانشجو معلمان هم یاد می‌دهید؟

وظیفه من این است که یک سری اطلاعات به دانشجویان منتقل کنم و در عین حال توانایی تحلیل و نقد را در آنها بالا ببرم. از سوی دیگر به آنها توانایی پژوهش بدهم. پس آنها هم دانش فرا می‌گیرند و هم نحوه آموزش دانش و هم پژوهش در دانش. این کاری است که بر عهده ماست.

### خیلی معتقدند که حتی دانشجو معلمان رشته تاریخ هم به دلیل مزایای دانشگاه فرهنگیان وارد آن می‌شوند و نه به خاطر علاقه‌شان به تاریخ؟

اینکه برخی از افرادی که به دانشگاه فرهنگیان می‌آیند و سوسه این را دارند که از ابتدا کارشان مشخص باشد و برای پسرها این و سوسه وجود دارد که سربازی ندارند، به هر حال غیر قابل انکار است. ولی من علائق تاریخی بسیاری در بچه‌ها می بینم. موظفم این علائق را عمق ببخشم و امروز می بینم که تا حد زیادی فارغ التحصیلان دوران کارشناسی ما در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه‌های معتبر قبول می‌شوند.

در مقابل هر بادی به لرزه در می‌آییم. اگر من افتخارات خود را نشانم و بدی‌های خود را ندانم، چگونه می‌خواهم آینده را بسازم. ساختن تمدن ایران اسلامی بدون دانستن و فهم گذشته، میسر نیست. پس دانستن تاریخ، لازم، لازم و لازم است.

### خود شما مهمترین درسی که از تاریخ گرفتید که توانسته‌اید برای زندگی روزمره‌تان از آن بهره بگیرید چیست؟